



کارگاه مسائل عمومی و نظام اداری در ایران

مروری بر مسائل حوزه امنیت اقتصادی

همان:

دکتر حسین عسکری

عضو معاونت اقتصادی شورای عالی امنیت ملی

تهیه و تنظیم:

سلطان زالی

گروه مطالعات خط‌مشی‌های امنیتی

بهمن ۱۳۹۳

فهرست مطالب

۳	مقدمه‌ی اول: معرفی کلاس کارگاه مسائل
۴	مقدمه‌ی دوم: معرفی مهمان
۴	مقدمه‌ی بحث
۵	تصویری کلان از اقتصاد ایران
۱۰	محورهای تهدید
۱۰	محور اول: رشد اقتصادی منفی
۱۱	محور دوم: کاهش قیمت نفت، بودجه و مسئله یارانه ها
۱۲	محور سوم: حجم نقدینگی و انتظارات
۱۲	محور چهارم: تحریم ها
۱۴	محور پنجم: تأمین امنیت غذایی
۱۴	جمع بندی
۱۵	پرسش و پاسخ ها

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

مقدمه‌ی اول: معرفی کلاس کارگاه مسائل

دکتر محمدرضا عطارادی: عرض سلام و خوش آمد دارم خدمت شما که زحمت کشیدید و به جمع ما تشریف آوردید؛ من یک توضیح مختصری خدمت شما می‌دهم، شاید آقای زالی در مسیر با شما صحبت کردند. کلاس یا کارگاهی که خدمت شما هستیم، مربوط به دانشجویان رشته مدیریت دولتی با گرایش خط‌مشی‌گذاری است که [ترم بعد] وارد مقطع کارشناسی ارشد می‌شوند. در این دانشگاه، بر خلاف رشته‌ی مدیریت دولتی در دانشگاه‌های دیگر، مسیر خوبی شروع شده است؛ [بدین صورت] که هر کدام از دانشجویانی که وارد این رشته می‌شوند، یکی از حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری را انتخاب می‌کنند، بعد از آن، نقشه‌ی هوایی آن حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری را ترسیم می‌کنند و با کلیت آن حوزه آشنا می‌شوند و این مسیر تا پایان‌نامه کارشناسی ارشدشان ادامه پیدا می‌کند. حوزه‌های [خط‌مشی‌گذاری] مختلف بوده است: از کارآفرینی و مسائل اقتصادی گرفته تا کشاورزی و صنعت و امنیت و مباحث دیگر. این کلاسی هم که من خدمت دوستان هستم، کارگاهی است [کارگاه مسائل عمومی و نظام اداری در ایران]. تجربه‌ای که سال‌های گذشته داشته‌ایم این بوده که ما در حوزه‌هایی که هر کدام از دانشجویان قرار بوده مطالعه و فعالیت بکنند، مهمانی را دعوت کرده و از زبان ایشان که در آن حوزه است، مسائل و مباحثی که باید مطرح بشود یا پیگیری بشود، می‌شنویم. بدین نحو، شاید هم دسته اول تر باشد و هم آموزشش بیشتر از این باشد که من بخواهم مطالبی رو به دانشجویان بگویم، هر چند من هم مقدماتی را گفته‌ام و حین دوره، جلساتی را خودم توضیح می‌دهم. از این نمونه‌ای که سال‌های گذشته داشتیم، باز خور مثبتی گرفتیم. تعداد نفرات کلاس‌های ما، معمولاً تا ۱۰ نفر است، این [موضوع] شاید کار را برای ما سخت بکند، خیلی‌ها ذهنیت‌شان از یک کارگاه، ۴۰، ۵۰ نفر است؛ ما خودمان هم معمولاً در دانشگاه ترجیح می‌دهیم، کلاس‌ها کوچک، ولی با اثر بخشی بالا باشد. فرآیند کارمان بدین صورت است که ما عزیزی را دعوت می‌کنیم که طرح بحث خود را در حوزه‌شان، مطرح می‌کنند، هر کدام از دانشجویان در حوزه‌ی خودشان مکلفند که بروند و فردی را که در آن حوزه می‌تواند بهتر از بقیه، طرح بحث کند را دعوت بکنند. کارهای اداری‌اش را ما انجام می‌دهیم، منتها پیگیری‌هاش کلاً تا انتهای کار، با خود دانشجو است؛ مباحث اینجا مطرح می‌شود، کسی سؤالی داشت، سؤال‌ها پرسیده می‌شود، جواب گرفته می‌شود، جلسات ضبط و فیلم‌برداری می‌شود، این‌ها بعداً پیاده‌سازی می‌شود، خود آن دانشجو این کلاس را پیاده‌سازی می‌کند، دانشجویان دیگر هم فرصت دارند تا در جلسات آتی، نقد و بررسی خودشان را از این کلاس ارائه بدهند که مباحثی که مطرح شد در چه حدی بود، با چه شرایطی بود، نقاط قوت و ضعفی که کلاس داشت، چه بود و چه پیشنهادهایی دارند. مجموعاً، این جلساتی که تا الآن برگزار شده و از این بعد، برگزار می‌شود، بانک اطلاعات خیلی خوبی را از مسأله‌شناسی در حوزه‌های مختلف برای دانشجویان فراهم می‌کند، حتی بعداً شاید برای جاهای دیگر، قابل نشر هم بشود. این کلیتی بود که مدنظرم بود که خدمت شما عرض کنم؛ حالا خود آقای زالی، چون مدیر جلسه ما در این بحث، ایشان هستند، اگر مقدمه‌ای را می‌خواهند مطرح کنند، بفرمایند وگرنه خدمت آقای دکتر عسکری باشیم.

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

مقدمه‌ی دوم: معرفی مهمان

دکتر حسین عسکری: من یک معرفی اولیه از خودم داشته باشم. حسین عسکری هستم، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی. من بر خلاف سایر دوستان، کارشناسی‌ام، در رشته‌ی مهندسی برق در دانشگاه شریف بوده است و بعد از پایان فراغت از کارشناسی، به رشته‌ی اقتصاد تغییر رشته دادم. از ابتدایی که ما به همراه دوستان مان، وارد فضای اقتصاد شدیم - من به همراه جمعی از بچه‌های دانشگاه شریف، [پس از فارغ‌التحصیلی] به رشته‌ی اقتصاد، تغییر رشته دادیم - درگیری مان با رشته‌ی اقتصاد، خیلی فلسفی نبود و خیلی در فضای اندیشه‌ای غور نکردیم، بیشتر سعی کردیم بحث‌های مان، [ناظر به] حل مسئله باشد؛ الآن کشور با چه مشکلاتی در اقتصاد مواجه است. چه کارهایی می‌توان برایش انجام داد، اصلاً جنس مسئله چیست، چرا این چنین مسائلی وجود دارد، به هر گونه‌ای؛ نهادی، ریشه‌ای، ساختاری، قانونی و ... فی الواقع، ما زمانی که [در مقطع] کارشناسی بودیم، این مسأله را از مرکز مطالعات اقتصادی بسیج دانشگاه شریف که احتمالاً آشنا هستید، شروع کردیم. بعد از آن که به اقتصاد تغییر رشته دادیم، از بسم الله کارمان، با تحریم درگیر بودیم. بحث‌های تحریم، در آن دوره، در دوره‌ی اوجش بود. از سال ۱۳۹۰، به همراه دوستانی که آن زمان با هم همکار بودیم، در مجموعه‌ای [معاونت اقتصادی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی] که اطلاع دارید، مشغول به کار هستیم و مبنای اصلی کارمان، تحریم است. اما من در این ارائه‌ای که خدمتون دارم، زیاد به تحریم اشاره‌ای نمی‌کنم، چرا که درباره‌ی تحریم، بارها بحث شده است، ریشه‌هایش گفته شده است، دسته بندی‌هایش گفته شده است و اینکه بر طبق چه قوانینی است، گفته شده است و چیزهای مختلف دیگری که دوستان بیشتر اطلاع دارند. بیشتر می‌خواهیم یک شمای کلی را از وضعیت فعلی کشور به دست بیاوریم و این که چه چیزهایی می‌تواند در سال‌های نه چندان دور، کشور را در این حوزه [اقتصاد] تهدید کند. آگه اجازه می‌دهید شروع کنم.

مقدمه‌ی بحث

من در ابتدای کار، یک تصویر کلان از وضعیت اقتصادی ایران می‌گویم که الآن، شاخص‌های کلان اقتصادی مان به چه شکلی است، روندهایش چه طوری است و سعی می‌کنم که خیلی سریع از این بحث، عبور کنم. من خودم، مثل شما، دانشجوی هستم و استاد درس نیستم. سعی کنیم بیشتر با هم، همفکری کنیم، نمی‌خواهم من اینجا یک چیزهایی بگویم به طوری که من اینجا سخنگو باشم و شما شنونده باشید. بیشتر سعی کنیم با هم بحث کنیم و در آخر هم، یک جمع‌بندی کوتاهی خواهیم داشت. در تصویر کلان اقتصاد، من سعی می‌کنم سه چهار تا شاخص را بیشتر بررسی نکنیم.

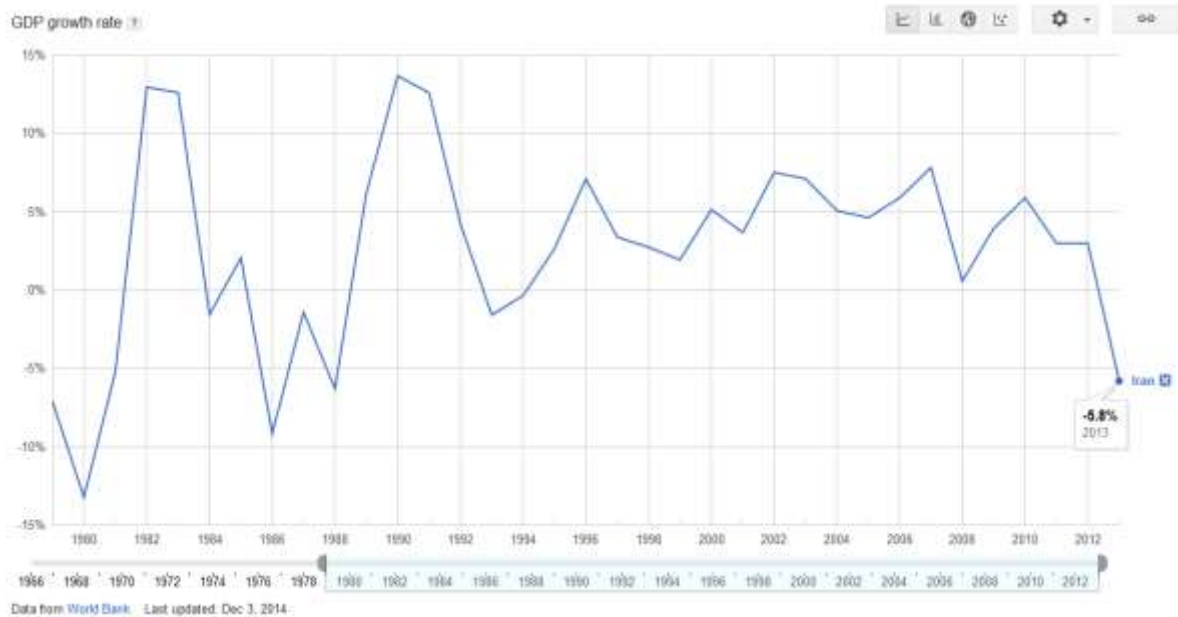
ما در کشورمان، در این چند سال اخیر، به سبب بحث تحریم‌ها که هم خوب هست و هم بد، بالاخره ذهن مسئولین مملکت ما، ذهن عامه‌ی مردم، به سمت این گرایش پیدا کرد که اقتصاد چیز مهمی است و در واقع یک بحث به قول معروف، دم دستی، نیست، باید خیلی عمیق‌تر به آن پرداخت و با توجه به آن، شاخص‌ها و ویژگی‌های کشور را بررسی کرد. تحریم‌ها، یک خوبی حداقلی که برای کشور داشت، این بود که باعث شد که بچه حزب اللهی‌های ما، یک مقداری به این سمت بیایند و بیشتر به تحریم فکر کنند، از طرف دیگر، خود مردم هم، با توجه به اینکه تحریم واقعاً روی زندگی خودشان اثرگذار بوده، یعنی لمسش کرده‌اند، باعث شده که نسبت به مسائل اقتصادی در این سال‌های گذشته، بیشتر

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

حساس باشند. روند گذشته و فعلی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که عمده‌ی تهدیدات ما در این چند سال گذشته و سال‌های پیش رو، تهدیدهای اقتصادی خواهد بود. ما یک دوره‌ای از انقلاب رو گذرانیم که بحث تهدیدات نظامی و فرهنگی را پشت سر گذاشتیم و دشمن در آن زمینه نتوانست زیاد به کشور، آسیب وارد کند، نمی‌گویم آسیب وارد نشد، اما به شدت و حدت این جنگ اقتصادی نبود. دشمن، در عرصه‌ای وارد شد که نقطه‌ی قوت خودش بود و نقطه ضعف ما و از این محل، کم‌کم در زمینه‌های دیگر مثل سیاسی، فرهنگی و نظامی، آسیب‌های خودش را وارد می‌کند.

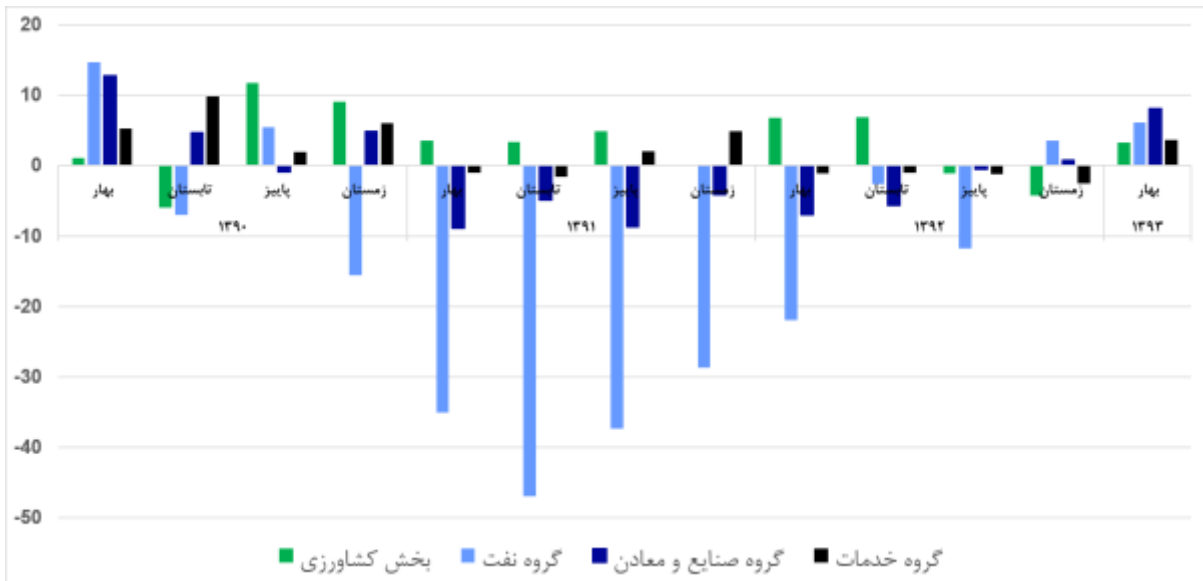
تصویری کلان از اقتصاد ایران

شاخص اول بحث رشد اقتصادی است. اگر ما یک نگاهی به روند رشد اقتصادی‌مان در سال‌های گذشته، از سال‌های خیلی دور تا گذشته‌ی نزدیک، بکنیم، ما یک رشد اقتصادی داشتیم که روند آن، هم خیلی پر نوسان بوده و هم خیلی جاها، سطحش خیلی کم است. نسبت به این سطح اقتصادی، رشد اقتصادی ما، سطحش کم و خیلی پر نوسان است.



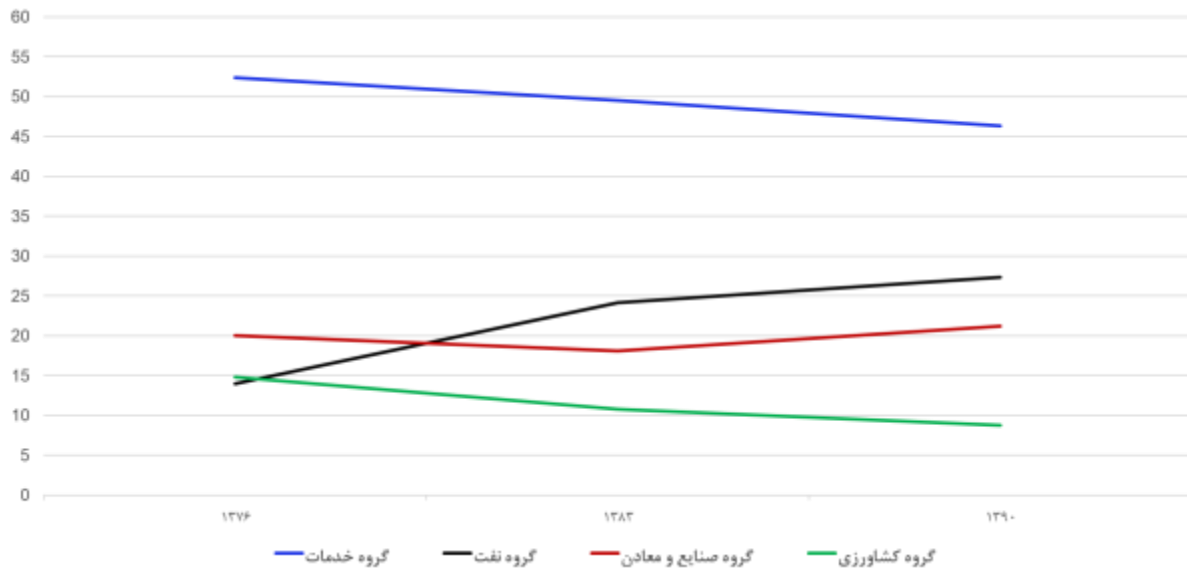
ما بعد از انقلاب، اگر نگاه کنید سال ۱۹۹۷-به سال میلادی- که سال پیروزی انقلاب بوده، از منفی ۱۳، ۱۴ درصد تا مثبت ۱۳، ۱۴ درصد، یک چیزی حوالی ۲۰، ۳۰ درصد بازه، نوسان رشد اقتصادی‌مان بوده است که بعد از جنگ، یک مقداری وضعیت بهتر شد، اما باز هم روند نوسانات کم نیست. ما در سه دوره بعد از انقلاب، رشد اقتصادی منفی را تجربه کردیم. یکی دوران جنگ بوده است، یکی دیگر، سال‌های ۷۳، ۷۴ بوده که کشور بعد از جنگ، وام‌هایی از مؤسسات مالی بین‌المللی گرفته بود و به سال‌های ۷۳، ۷۴ که رسیدیم، بحران بدهی‌های خارجی پیش آمد و دیگر نتوانستیم آن وام‌ها را باز پرداخت کنیم و به راحتی، مجبور شدیم کل پول نفت‌مان را برای باز پرداخت آن وام‌ها بدهیم و کشور دچار مشکلاتی شد و مورد آخر هم، در سال‌های اخیر است که به دلیل تحریم‌های خارجی، ما به شدت تحت فشار قرار گرفته‌ایم. در این چند سال اخیر، یک نگاهی بکنیم که چه اتفاقی در رشد اقتصادی کشورمان افتاده و چرا رشد اقتصادی‌مان منفی شده است؟

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

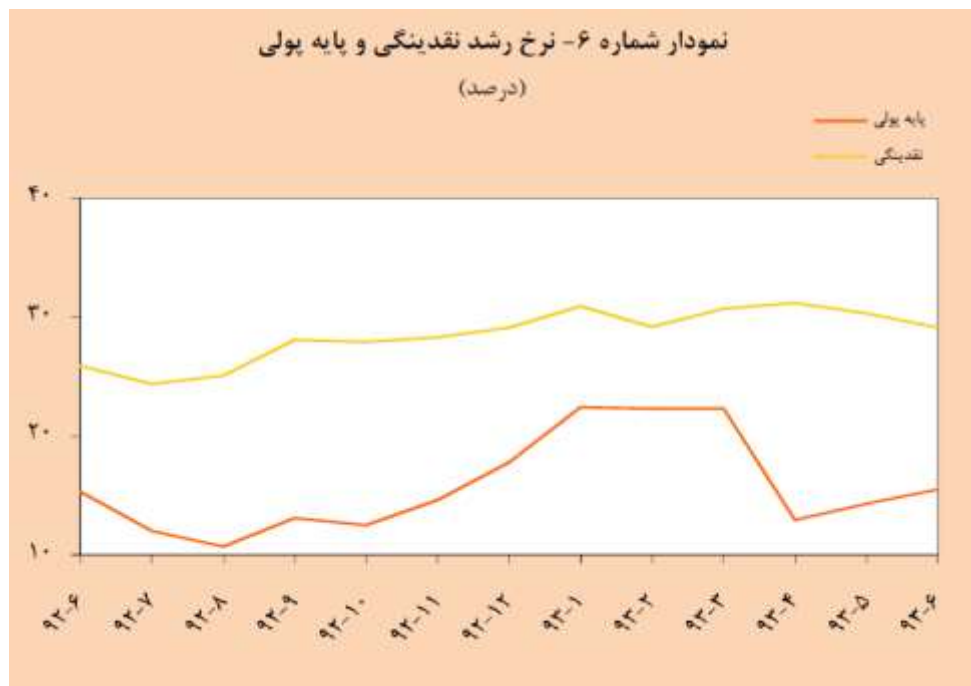


ما اگر به تفکیک نگاه کنیم، چهار گروه کشاورزی، نفت، خدمات و صنایع و معادن داریم. در این دو سه سال اخیر، وضعیت کشاورزی مان زیاد منفی نبوده، روند معمولی خودش را داشته که قبل از این جریانات هم برقرار بوده، یعنی تحریم بر کشاورزی، زیاد اثر گذار نیست، یعنی نهاده‌های کشاورزی برخلاف صنایع و معادن، زیاد وابسته به واردات نیست. بیشترین اثری که ما از تحریم‌ها گرفتیم، بخش نفت بود که تا منفی ۴۵ درصد در تابستان ۹۱ رشد بخش نفت بوده است. مطلع هستید که بخش نفت در GDP (تولید ناخالص ملی) ما، چیزی حوالی ۲۰ درصد است و وقتی در بخش نفت، تقریباً منفی ۵۰ درصد رشد داریم و اگر این را ضرب در ۲۰ درصد بکنیم، در آن سال، چیزی حوالی ۸ درصد ۹ درصد، فقط از محل نفت، رشد مان منفی شده است. بخش بعدی، صنایع و معادن است که می‌بینید که خیلی با این روند تحریم‌ها، هم‌زمان حرکت کرده است، متأسفانه، حالا جلوتر اشاره خواهیم کرد، صنایع مان، خیلی واردات محور است، یعنی فی الواقع ما مونتاژ کار هستیم. تجار ما قبلاً یک جنسی را وارد کشور می‌کردند، مثل همین کامپیوتر، مثل ماشین، مثل هر چیز دیگری، بعدش یاد گرفتند که اگر به جای اینکه خود جنس نهایی را، کالای مصرفی نهایی را، وارد کشور کنند، یک خط مونتاژ بزنند و نهاده‌های اولیه‌اش را وارد کنند، خیلی برایشان به صرفه است؛ یعنی ما با دید واردات، تولیدمان را شکل دادیم و به خاطر همین هم ما صنایع مان، عموماً واردات چی هستند تا صادرات چی، بیشتر نیاز به واردات دارند تا اینکه صادراتی انجام بشود. ما صادرات مان عموماً خام فروشی است: نفت و گاز، سنگ آهن و خشکبار که خیلی فرآوری کمی روی آن انجام می‌شود و این باعث می‌شود که شما تا یک مشکل کوچکی در تجارتت به وجود می‌آید، صنایع به شدت آسیب پذیر می‌شود. بخش آخر هم بخش خدماتی است که زیاد با روند تحریم‌ها هم‌خوانی نداشته است.

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی



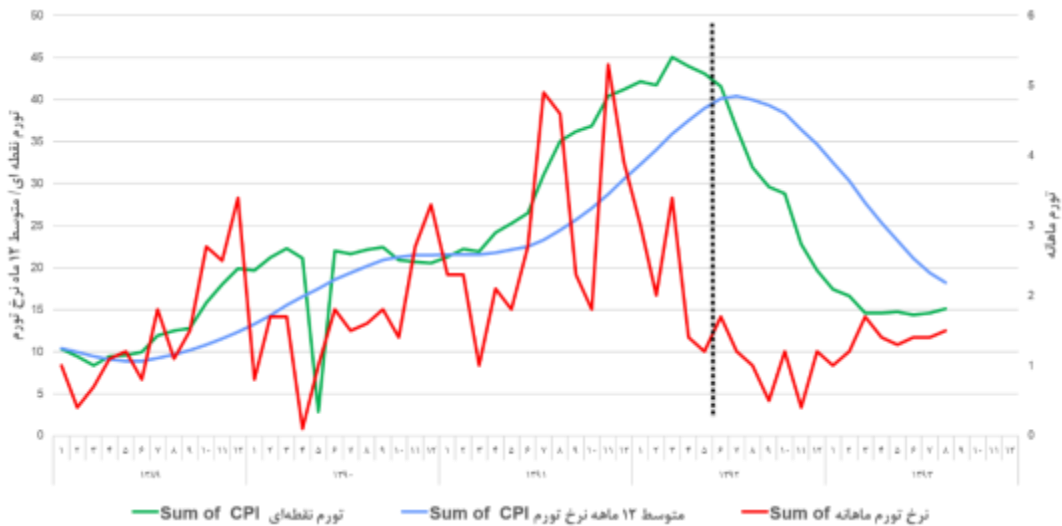
در بخش دوم، می‌خواهم رشد نقدینگی و پایه‌ی پولی را نگاه کنیم. این آمارها، در سایت بانک مرکزی موجود است، به قسمت نمودارهای سایت مراجعه کنید، آخرین نموداری که برای بخش پایه پولی و رشد نقدینگی گذاشته‌اند، این نمودار است.



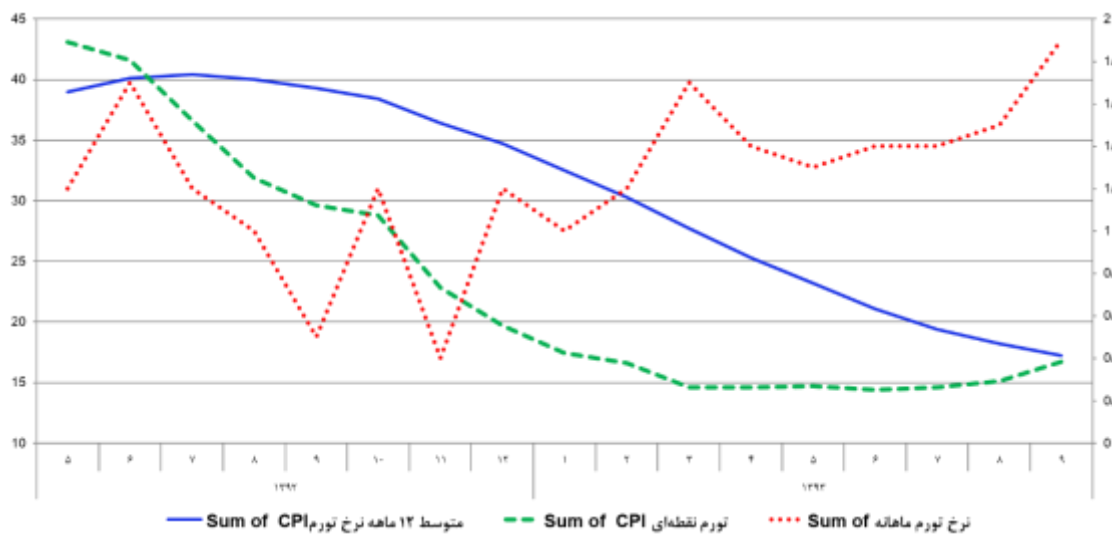
ما توانسته ایم طی این یک سال و نیم اخیر که دولت یازدهم سر کار آمده است، رشد پایه‌ی پولی را تا حدودی متوقف کنیم، اما متأسفانه، رشد نقدینگی از محل ضریب فزاینده بسیار بالا و چیزی حوالی ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد بوده، در حالی که رشد اقتصادی ما در خوش بینانه‌ترین حالت، پایان امسال به ۲/۵ درصد می‌رسد. [در واقع] یک فاصله‌ی ۲۴، ۲۵ درصدی بین رشد اقتصادی ما و نقدینگی وجود دارد که این خودش را در تورم سال‌های آینده نشان خواهد داد و یک

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

مقداری هم الآن این وضعیت شروع شده است. تورمان را در چند وقت گذشته نگاه کنیم، این خط سیاه، زمانی است که دولت یازدهم سر کار آمد.

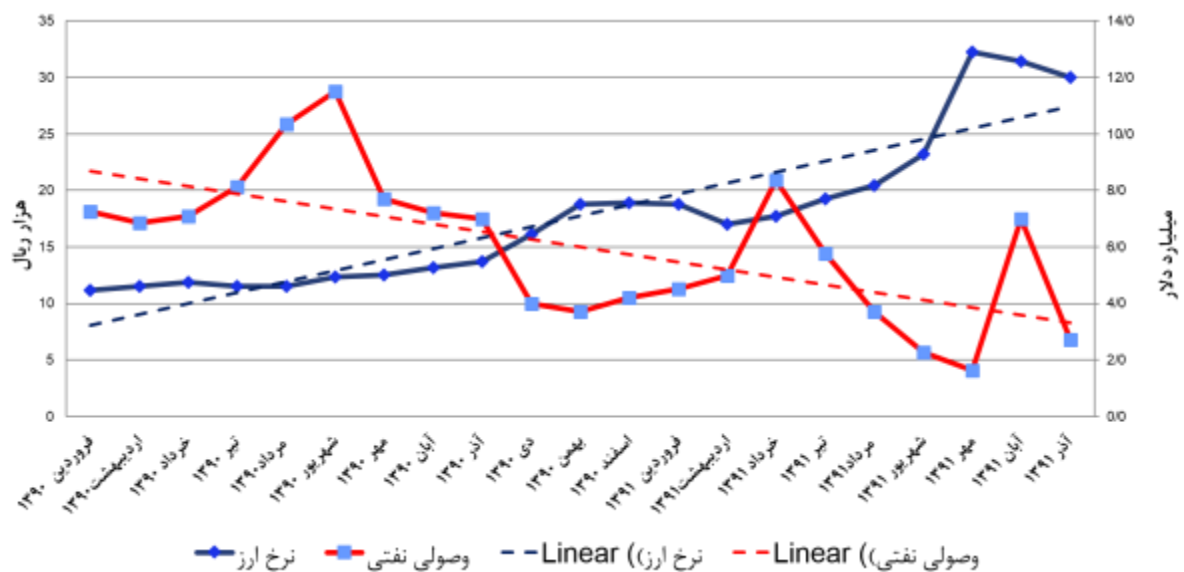


این نمودار، نمودار تورم نقطه به نقطه است یعنی دی ۹۳ نسبت به دی ۹۲، که از سال ۸۹ که کم کم تب تحریم‌ها شروع شد، نرخ ارز افزایشی شد و رشد پایه‌ی پولی در آن سال‌ها زیاد شد و از آن موقع، روند فزاینده‌ی تورم را تا خرداد و یا اردیبهشت ۹۲ داریم و از آنجا به بعد، نزولی می‌شود که این هم، میانگین تورم است. آن چیزی که در نگاه لحظه‌ای ما به تورم، مهم است، بحث تورم ماهانه است، یعنی هر ماه نسبت به ماه قبل چه تغییری ایجاد کرده است که اگر رگرسیون ببندیم با رشد نقدینگی و رشد پایه‌ی پولی، این دو تا، خیلی به هم نزدیک‌اند. شما زمانی که نقدینگی خلق می‌کنید، یک تأخیر زمانی شش ماهه، بین تولید نقدینگی و تأثیرش بر تورم، وجود دارد. ما تقریباً از دی ۹۱، رشد تورم ماهانه‌مان را کنترل کردیم، اما خوب شش ماه بعد، خودش را نشان می‌دهد که از پیک تورم نقطه به نقطه کم می‌کند. این روند را یک مقدار در این یک سال گذشته، دقیق‌ترش کنیم، نگاه کنید.

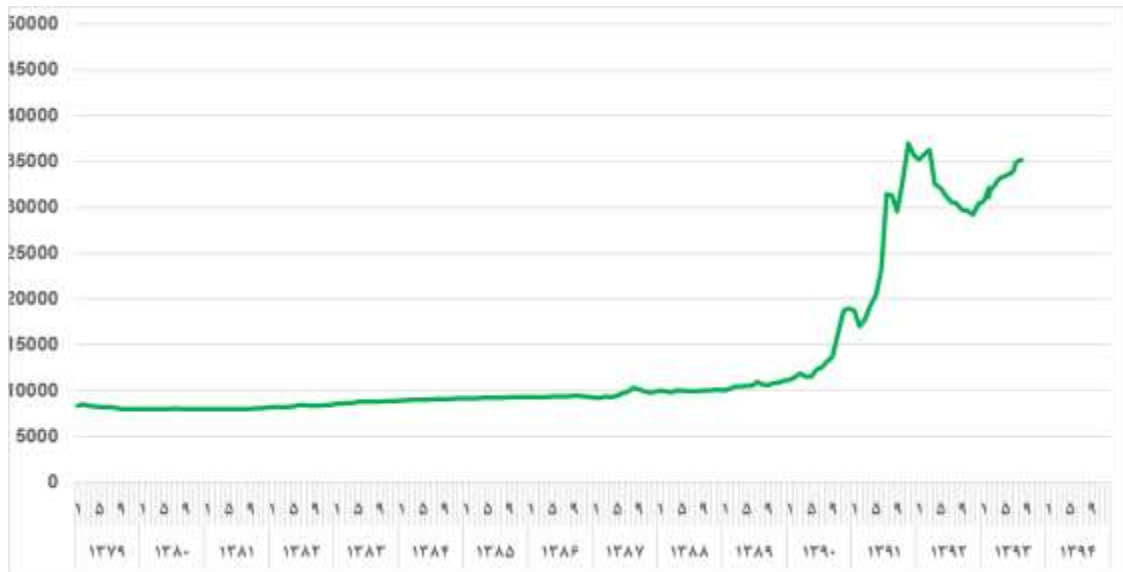


تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

در سال ۹۲ و ۹۳، اوایی که دولت، سر کار آمد، یک خوش‌بینی مفرطی وجود داشت به اینکه سریعاً مشکلات اقتصادی کشور برطرف می‌شود. انتظارات به سمت کاهش عمل می‌کرد و ما حتی دیدیم که نرخ ارزمان از چیزی حدود ۳۴۰۰، ۳۵۰۰ که تثبیت شده بود تا ۲۹۰۰ تومان هم رسید. اما اگر نگاه کنیم در آذر امسال که قرار بود به یک توافق جامع برسیم و نرسیدیم، یک دفعه‌ای، روند تورمی‌مان حرکت کرد و انتظارات به سمت این رفت که نرخ ارز برود بالا و تورم‌مان هم به طبع آن حرکت کند. نکته‌ی مهم اینکه وقتی انتظارات شکل می‌گیرد، انتظار به خودی خود نمی‌تواند چیزی را تغییر دهد، یک عاملی پشتش وجود دارد که اینجا بحث نقدینگی است که قبلاً اثرش را بر تورم نگذاشته است و الآن این خودش را نشان می‌دهد.



وقتی ما رشد نقدینگی را به وجود می‌آوریم، چرا نرخ ارزمان ثابت می‌ماند، یک دلیلش این است که ما یک بازار داریم به نام بازار ارز و دولت یکی از بزرگترین عرضه‌کنندگان ارز در کشور است، وقتی که ارز درآمدهای نفتی را در بازار عرضه می‌کند، قیمت ارز، پایین می‌رود. مشکلی مثل بحران بدهی‌های خارجی سال ۷۳، ۷۴ به وجود بیاید، کاهش شدید قیمت نفت سال ۷۸، ۷۹ هم به وجود بیاید و یا تحریم‌های سال ۹۰، ۹۱ به وجود بیاید، نرخ ارز، در آن فاصله‌ای، که قرار بوده است که در چند سال، طی شود را سریع شیف‌ت می‌دهد و به سمت بالا حرکت می‌کند و این مثل یک لویی، در تورم، خودش را نشان می‌دهد تا اینکه اثرش کاملاً تخلیه شود و هیچ بعید نیست که ما در سالی که در پیش رو داریم، قیمت نرخ ارزمان به سمت ۵۰۰۰ تومان حرکت کند و اثرات تورمی خودش را در سال آینده داشته باشد.



محورهای تهدید

محور اول: رشد اقتصادی منفی

اینجا وارد محورهای تهدید می‌شویم. محور اولی که بررسی می‌کنیم بحث رشد اقتصادی منفی است. در تصویر کلان اقتصاد که به شما نشان دادم، در بحث رشد اقتصادی، همان طور که دیدید، در سال ۹۱، بیشترین اثری که باعث شد که ما، هفت درصد رشد اقتصادی منفی در آن سال داشته باشیم، بحث نفت بود که با توجه به اینکه ما الان، کاهش قیمت نفت داریم، ولی در آن سال، به خاطر کاهش قیمت نفت نبود که ما رشد بخش نفت مان منفی شد، به خاطر کاهش فروش نفت بود، یعنی ما از ۲/۳ میلیون بشکه صادرات در روز، به حوالی ۱ میلیون بشکه و حتی در یک بازه‌ای به ۸۰۰ هزار بشکه در روز، رسیدیم، اما الان با اینکه ما ثباتی در صادرات نفت و در فروش فرآورده‌های نفتی داریم، کاهش قیمت فرآورده‌های نفتی را شاهدیم، مثل اینکه، اگر ما، همان ثبات قیمت نفت را داشته باشیم و صادرات نفت مان از ۱ میلیون بشکه برسد به ۵۰۰ هزار بشکه، این باعث می‌شود که رشد اقتصادی ما که در بخش نفت که خیلی بخش مهمی است، و در اقتصاد ما، ۲۰ درصد از GDP است، عمل کرده و رشد اقتصادی ما را منفی کند. رشد اقتصادی یکی از عواملی است که هم‌خوانی زیادی با بخش‌هایی مثل تولید و اشتغال دارد. وقتی رشد اقتصادی شما کم می‌شود، یعنی یک اقتصاد بزرگ نمی‌شود، یعنی اینکه با توجه به اینکه شما رشد جمعیت فعال را در کشور دارید، با توجه به جمعیت جوانی که دارند وارد بازار کار می‌شوند، یک اقتصاد ثابت است و حالا باید بین افراد بیشتری تقسیم شود، یعنی به هر نفر، مقدار کمتری می‌رسد. نکته‌ی بعدی اینکه، ما وقتی تجربه‌ی جهانی را در این موضوع بررسی می‌کنیم، به ما می‌گوید که اثر بحران‌های اجتماعی، در زمان‌هایی به وجود آمده که شما یک یا دو سال قبلش، رشدهای اقتصادی کم و نزدیک به صفر و نه حتی منفی دارید. با اینکه ما در سال ۹۱ و ۹۲، تقریباً دو رشد اقتصادی منفی ۲/۵ درصد و منفی ۷ درصد داشتیم، سال ۹۳ پیش‌بینی می‌شود که نزدیک به صفر باشد و سال ۹۴ با توجه به قیمت نفت، منفی می‌شود. این باعث می‌شود که این بحران اقتصادی، به بحران اجتماعی هم بتواند تبدیل شود. از طرفی دیگر وقتی که رشد اقتصادی کم می‌شود و یا

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

منفی می‌شود، یعنی اینکه قدرت خرید خانوار و سطح رفاه جامعه کم می‌شود و ما در آمارهای مان داشتیم که در طی این یکی دو سال اخیر - از آخر سال ۹۰ تا نیمه‌ی سال ۹۳ - قدرت خرید خانوارهای مان به طور متوسط، بیست درصد کاهش پیدا کرده است و این نمایانگر فشار سنگینی است که به مردم وارد شده است.

محور دوم: کاهش قیمت نفت، بودجه و مسئله یارانه ها

محور دوم بحث قیمت نفت است که اثراتی در بحث بودجه دارد که در مورد مسأله‌ی یارانه‌ها است. می‌دانید که نفت در بودجه‌ی دولت ما، یکی از عوامل بسیار مهم است که با اینکه اسماً چیزی حوالی ۳۰ درصد تا ۴۰ درصد از بودجه دولت را تشکیل می‌دهد، فی الواقع، اثر آن، خیلی بیشتر است. چرا؟ چون مالیات‌ها از شرکت‌هایی گرفته می‌شود که فی الواقع نفتی اند. یعنی ما به فولادمان انرژی ارزان می‌دهیم، به صنایع شیشه‌مان انرژی ارزان می‌دهیم، به پتروشیمی‌های مان خوراک ارزان می‌دهیم، به پالایشگاه‌های مان خوراک ارزان می‌دهیم و از این‌ها مالیات می‌گیریم که حجم زیادی از مالیات‌هایی که از شرکت‌های ما در ایران گرفته می‌شود، از ردیف شرکت‌های انرژی بر است. فی الواقع ما داریم با یک مکانیسمی، نفت را به یک چیزهای دیگری مثل سیمان، شیشه، فولاد و امثالهم تبدیل می‌کنیم و داریم پول نفت‌مان را از محل مالیات آنها می‌گیریم. اگر اثر این نفتی که داخل این‌ها است را از مالیات‌ها خارج کنیم، ما چیزی حوالی ۳۰ درصد، ۳۵ درصد بودجه‌مان، فی الواقع به مالیات وابسته است که آن هم، عموماً حقوق کارمندان است. شما اگر کارمند بشوید، همان ب بسم الله، ماهیانه، وقتی حقوقتان را می‌دهند، اول ۵ درصد به عنوان مالیات ازش کم می‌کنند، بعد مابقی‌اش را به شما می‌دهند. بخش تولیدی اقتصادمان، زیاد مالیاتی پرداخت نمی‌کند. چرا؟ چون که دولت نمی‌تواند اثبات کند که درآمد آن چه قدر است، لذا سراغ شیوه‌هایی مثل مالیات علی‌الرأس می‌رود، یک ممیزی و یک مؤدی کنار هم می‌نشینند و در یک مذاکره، تعیین می‌کنند که مالیات چه قدر باشد. همه‌ی شرکت‌ها، دفتری هستند. یک دفتر حسابداری واقعی و یک دفتر حسابداری مالیاتی دارند. به چه علت؟ به خاطر اینکه مالیات‌ها، علی‌الرأس بسته می‌شود و هیچ مکانیسمی برایش نداریم. کاهش قیمت نفت، در این شرایط باعث می‌شود که به بودجه‌ی دولت فشار زیادی بیاید. ما در این سال‌های گذشته، به خاطر مسأله‌ی یارانه‌ها که فی الواقع مسأله یارانه‌ها به خاطر حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است، با فشاری بر بودجه‌ی دولت مواجه بودیم. قیمت نفت هم که کاهش پیدا کند، باعث می‌شود که کسری بودجه‌مان از قسمت عمرانی به قسمت جاری، تسری پیدا کند. بودجه به لحاظ کلی، در قسمت مصارفش دو بخش دارد: یک بخش، هزینه‌ای است؛ یعنی حقوق، دستمزد، مزایا، یارانه‌ها، امور رفاهی، امور انتظامی، امنیتی و امثالهم و یک بخش، عمرانی است؛ یعنی دولت می‌آید پولی را خرج می‌کند برای اینکه سدی ساخته شود، راهی ساخته شود یا جاده‌ای، مدرسه‌ای، بیمارستانی و امثالهم زده شود. وقتی که بودجه‌ی دولت کم می‌شود، اولین کاری که دولت می‌کند، از هزینه‌های عمرانی خودش می‌زند. می‌بینید که خیلی از پروژه‌های عمرانی مان که با بودجه‌ی دولت کار می‌کند، هر سال فقط به اندازه‌ی اینکه آن پروژه سر کار بماند، زنده است و برای سال‌های بعد، به آن‌ها، دوباره، بودجه تخصیص پیدا می‌کند و عملاً بودجه‌ی جدیدی برای پیشرفت، به آن نمی‌رسد. یک مثالی بزنم؛ سال ۸۹، پروژه‌ای به نام بندر شهید بهشتی و خط راه آهن چابهار تا سرخس تصویب شد که این پروژه، اگر راه بیفتد، یکی از قطب‌های اقتصادی ایران می‌تواند باشد. سال ۸۹، تصویب شد و با بودجه‌ای که دولت به آن، اختصاص داد، قرار بود چهار ساله به بهره برداری برسد، اما خوب، الآن جوری است

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

که در این چند سال گذشته، حوالی ۵ درصد پیشرفت کرده است و سالی، بیشتر از ۱ درصد، پیشرفت نمی‌کند و این به خاطر همین کسری بودجه‌ی عمرانی که دولت پیدا می‌کند. این، تازه در سال‌هایی بوده که ما وضع نفت‌مان خوب بوده و مشکل چندانی نداشتیم. سال آینده، خیلی از پروژه‌های عمرانی مان قطع خواهد شد و شاید حتی بگویم که به صفر خواهد رسید. پیش‌بینی می‌شود که با این قیمت نفت، اگر سناریوی حدود ۵۰ دلاری قیمت میانگین نفت در سال آینده رقم بخورد، ما نه تنها پروژه‌های عمرانی مان و کل بودجه‌ی عمرانی مان صفر می‌شود، بلکه دولت در تأمین نیازهای جاری خودش، نیازهای هزینه‌ای خودش، کسری‌ای حوالی ۱۰ درصد دارد و این می‌تواند آثار اجتماعی زیادی داشته باشد.

محور سوم: حجم نقدینگی و انتظارات

محور سوم بحث نقدینگی و انتظارات است. ما الآن در اقتصاد کشورمان، چیزی حوالی ۷۰۰ هزار میلیارد تومان، نقدینگی داریم با یک رشد میانگین سالانه ۲۵ درصد با رشد اقتصادی منفی یا مثبت زیاد فرقی هم نمی‌کند. این ۲۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، در حالی که طبق قواعد علمی، باید یک تناسبی بین رشد نقدینگی و رشد اقتصادی وجود داشته باشد. در اقتصاد به آن، قاعده‌ی فریدمن می‌گویند. وقتی که شما رشد اقتصادی‌ات متناسب با رشد نقدینگی‌ات باشد، تورم صفر می‌شود و برای کنترل‌هایی که دولت می‌خواهد انجام بدهد و یا تورم مالیاتی، یک عدد کوچکی هم به آن، اضافه می‌کنند. این رشد نقدینگی، تا الآن که منجر به تورم نشده است. این اختلاف رشد نقدینگی منهای تورم منهای رشد اقتصادی یک عدد بزرگی است. اگر قاعده‌ی علمی عمل می‌کرد و این‌ها اثر خودش را تخلیه می‌کرد، در سال گذشته، ما باید حوالی ۲۳ تا ۲۵ درصد تورم می‌داشتیم، در حالی که تورم حوالی ۱۵ درصد است. این فاصله‌ی ۱۰ درصدی، خودش را یک جای دیگر نشان می‌دهد. زمانی که کشور انتظاراتش به سمت انتظارات فزاینده برود، در آن شرایط، نقدینگی‌هایی که جذب اقتصاد نشده و اصطلاحاً به آن، نقدینگی‌های سیال (سرگردان) می‌گویند، خودشان را به بازارهای نامولد می‌زنند. سال ۱۳۹۰ دیدید که برای طلا چه اتفاقی افتاد، در سال ۱۳۹۱ برای ارز، چه اتفاقی افتاد، در سال ۱۳۸۶، برای مسکن چه اتفاقی افتاد. ما یک سری بازارهایی داریم مثل بورس، مسکن، طلا، سکه، ارز و امثالهم که وسیله‌ای برای سوداگری در اقتصاد شده‌اند و پشتوانه‌ی این سوداگری چیزی است به نام نقدینگی‌های سیال و سرگردان و این باعث می‌شود شما یک شوک سیاسی کوچک به کشور وارد بشود، لوپ انتظارات فزاینده شروع به عمل کند و این را سریع تبدیل به آثار اقتصادی کند. به خاطر این نقدینگی سیال در کشور ما، انتظارات با اینکه در اقتصاد، یک مفهوم پذیرفته شده‌ای در کنار سایر عوامل است، در ایران، یک اثر بیشتری دارد که خودش را در درجه‌ی اول در نرخ ارز نشان می‌دهد که دیدیم که در چند ماه بعد از تمدید مذاکرات که انتظارات به سمت فزاینده رفت، تورم ماهانه‌مان از حوالی ۱/۵ درصد به ۳/۵ درصد رسید.

محور چهارم: تحریم‌ها

محور چهارم، بحث تحریم‌ها است. ببینید ما از ابتدا که پیروزی انقلاب انجام شده است، تقریباً همیشه با تحریم‌های مختلفی دست و پنجه نرم کرده‌ایم، اما فشاری که در این چند سال اخیر به کشور ما وارد شده، می‌توان گفت تقریباً در دنیا، بی‌سابقه بوده است. به جز مورد عراق که بحث نفت در برابر غذا اتفاق افتاد و آن همه فجایع به بار آورد، تقریباً

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

کشوری دیگر در تاریخ نداشته‌ایم که بتواند این قدر فشار به آن وارد شود و هنوز سر پا باشد. مورد عراق هم چون که مردم عراق با حکومتش زیاد همراه نبودند، به این امر منجر شد. اول انقلاب که بحث گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در سفارت آمریکا اتفاق افتاد، رئیس‌جمهور آمریکا با دستوری اجرایی، تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد که نباید هیچ تجارتی با ایران انجام بشود و دارایی‌های ایران بلوکه می‌شود و امثالهم. تحریم‌ها را شروع کرد. بعد از آن، در دوره‌ی جنگ تشدید شد، در دوره‌ی آقای کلینتون تمدید شد. در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، قانونی به نام قانون داماتو نوشته شد که ما بیشتر تحریم‌های اصلی‌مان بر روی آن سوار است. قانون داماتو یا ایلسا، قانون تحریم ایران و لیبی، قانونی است که سرمایه‌گذاری در بخش نفتی ایران را برای همه ممنوع کرده است. حتی تحریم‌های ثانویه هم در آن است. داشتند روی شرکت‌هایی مثل توتال فشار می‌آوردند که از سرمایه‌گذاری در نفت ایران خارج شوند که به درگیری‌های حقوقی بین اروپا و آمریکا منجر شد و آمریکا بحث تحریم‌های ثانویه‌اش را تعطیل کرد. از سال ۲۰۰۶ هم که تحریم‌های شورای امنیت شروع شد. از ۱۶۳۵ تا ۱۹۲۹ ما ۹ تا قطع‌نامه داشتیم که ۵ تا آن تحریمی و ۴ تا آن توصیه‌ای بوده است. روی آن تحریم‌ها، اروپا و آمریکا به شدت تحریم‌های مختلفی را وضع کردند. سه تا قانون اصلی تحریمی آمریکا، یکی قانون تحریم‌های ایران است، "ایران سنکشن اکت"، قانون جامع تحریم‌های ایران است، "سی سا دا" و قانون کاهش تهدیدهای ایران که در سال ۲۰۱۳ تصویب شد. اگر این یکی که الان در دست‌کنگره است، تصویب نشود، قانون سال ۲۰۱۳، آخرین قانونشان است. اروپا هم، اصل قانون‌های سه تا قانون است که در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ تصویب شده است. همراهی اروپا با آمریکا اینجا بحث جدی‌ای است که چرا اروپایی که زمانی که قانون ایلسا تصویب شد حتی کار به جایی کشید که با آمریکا وارد کشمکش حقوقی شدند و توانستند از آنجا موفق بیرون بیایند، چرا اینجا با آمریکا همراهی کرده و حتی خیلی جاها از آمریکا جلوتر رفته است. بحث تحریم‌های بانک مرکزی، بحث تحریم‌های نفت، در اروپا خیلی شدیدتر دارد پیگیری و رصد می‌شود. درست است که تحریم‌ها، یک عامل ایجاد نابسامانی نیستند و عامل تشدید کننده‌اند، اما ساختار اقتصادی کشورمان این اجازه را به این تحریم‌ها داده است که روی جزء جزء روابط اقتصادی کشور اثرگذار باشد. شما نگاه کنید، در بحث بودجه دولت، چرا این‌ها توانستند در بحث تحریم نفتی موفق باشند؟ چون که بودجه‌ی دولت به نفت وابسته بود، تا حدود ۷۰ درصد به نفت وابسته است. در بخش انرژی، هم در مصرف داخلی‌مان که یک حجم زیادی از مصرف بنزین‌مان وارداتی بود، در روز، چند میلیون لیتر واردات بنزین داشتیم که این باعث شد که بحث طرح تحریم بنزین ایران در دستور کار قرار بگیرد. خیلی راحت می‌شود این‌ها را رصد کرد. در بخش تجاری کشورمان هم همین‌طور است. ما الان متأسفانه در تجارت کشورمان، یک سری انحصارها و یک سری تمرکزهایی داریم. ما در بخش تجاری، در تجارت کشورمان با سایر کشورها، تقریباً مسیر ریلی و جاده‌ای نداریم. شرکای اصلی تجاری کشورمان در واردات و صادرات، چین است، ژاپن است، کره است، هند است و امثالهم. همه‌ی این‌ها، از مسیر آبی جنوب کشور وارد می‌شوند. با کشورهای شمالی‌مان، قزاقستان، روسیه و امثالهم، حتی در زمانی که تحریم شده بودیم و می‌خواستیم از این‌ها کالایی وارد کنیم، زیرساخت حمل و نقلش را نداشتیم. زیرساخت‌های اقتصادی‌مان در این بخش‌ها به تحریم‌ها اجازه داده که اثرگذاری خودش را داشته باشد و اهمیت این بخش تجاری آن قدر است که شما در تحریم‌های شورای امنیت هم حتی می‌بینید که به کشتی‌رانی اشاره می‌کند که کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم است. این را هم گفتیم که ۶۰ درصد واردات ما، نهاده‌های تولیدی است. این آمار را نگاه کنید. ما در بحث تحریم‌ها خیلی سعی

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

کرده باشیم، اینکه امنیت اقتصادی کشور را به امنیت مردم گره بزنیم، ما در تأمین غذای خودمان، حتی در زمانی که تحریم شدیم، ۸۰ درصد واردات مان را از چهار تا شرکت انجام می‌دادیم و این‌ها شرکت‌هایی هستند که هیچ کدام مال ما نیستند و هر زمان که بخواهند، می‌توانند ارتباطشان را قطع کنند.

محور پنجم: تأمین امنیت غذایی

ما یک مقداری در بحث تأمین امنیت غذایی مان، واقعاً مشکل داریم. در ۱۵ سال گذشته، روند بارندگی کشورمان در بلند مدت - ۵۰ ساله - را نگاه کنیم، همواره کاهش بوده است، یعنی بارندگی مان، سال به سال کم شده است، از طرفی جمعیت مان زیاد شده است، کشاورزی مان سنتی است و جواب‌گو نیست، پس خیلی طبیعی است که ما به سمت واردات مواد غذایی برویم، واردات کالاهایی که به آن‌ها استراتژیک می‌گویند. شما وقتی که در غذایت، در داروایت، در صنایع نظامی و انرژی ات، این چهار تا حوزه، به دیگران وابسته باشی، بسیار آسیب پذیر می‌شوی و با یک کوچک‌ترین حرکتی، می‌توانند شما را از پا در بیاورند. آمارهایی وزارت جهاد و کشاورزی داده است که ما حوالی ۵۰ درصد در خوراک انسان و ۷۰ درصد در خوراک دام و طیور که این هم بعداً می‌شود خوراک انسان، وابسته به واردات هستیم. در کنجاله، تقریباً ۱۰۰ درصد وارداتی هستیم، در ذرت تقریباً ۱۰۰ درصد وارداتی هستیم، در جو تقریباً ۵۰ درصد وارداتی است و امثالهم. علاوه بر اینکه ما این وابستگی را در واردات مان داریم، یک انحصاری هم در کشورهای مبادی داریم. ما حدود ۵۵ درصد واردات گندم مان فقط از کانادا و استرالیا است که در دسته‌بندی وزارت امور خارجه متخاصم حساب می‌شوند. می‌دانید که هر وقت قطع‌نامه‌ای بخواهد علیه ما در شورای امنیت، در حقوق بشر، صادر بشود، کانادا و استرالیا، معمولاً حامی‌اش هستند و خیلی وقت‌ها، خودشان پیشنهاد دهنده‌ی این قطع‌نامه‌ها هستند. این بحث انحصار شرکتی را هم گفتیم، یعنی هم انحصار در کشورها داریم، هم در خود در شرکت‌ها، انحصار وجود دارد که این بحث امنیت غذایی ما را به خطر می‌اندازد.

جمع‌بندی

مشکلات اقتصادی در سال‌های آینده همواره از اصلی‌ترین چالش‌های نظام ج.ا.ا خواهد بود. ناکارآمدی‌های نهادی داخلی و هم‌زمان گشتن آن با تحریم‌های بین‌المللی باعث شده این ناکارآمدی‌ها منجر به کاهش سطح رفاه خانوارها و نارضایتی آنها گردد.

اگر کشور بخواهد این مرحله را با سلامت پشت سر بگذارد، ناچار است از برخی عادت‌های غلط خود مانند حضور نفت در بودجه‌ی دولت، حضور دولت و شبه دولت در فعالیت‌های اقتصادی، بی‌نظمی و بی‌ثباتی در سیاست‌ها و به ویژه در حوزه‌ی پولی دست بردارد. در غیر این صورت، گسترش مشکلات اقتصادی به حوزه‌ی اجتماعی بسیار محتمل است.

پرسش و پاسخ‌ها

سؤال: لطف بفرمایید در مورد پایه‌ی پولی و نقش آن در تورم توضیحات بیشتری بدهید.

پاسخ: فرض کنید که ما در اقتصاد دو کالا داریم. کالای (الف) و کالای (ب). دو عدد پول هم داریم که دست من و شماست. در واقع، دو تا سیب داریم و دو تا سکه. قیمت هر سیب می‌شود یک سکه. فرض کنیم که سرعت گردشش یک است، وقتی که ما حجم نقدینگی را در این اقتصاد بزرگ می‌کنیم، در حالی که اقتصاد حرکتی نکرده است، رشد نقدینگی منهای رشد اقتصادی، آن چیزی است که باعث می‌شود بعداً تورم به وجود بیاید، گرچه الآن نگرش داریم. اگر من بیایم در این اقتصاد ساده، دو تا سکه را تبدیل به چهار تا سکه کنم و با فرض ثبات بقیه‌ی عوامل، اگر سرعت گردش پول ثابت باشد، قیمت هر سیب، دو سکه می‌شود. وقتی که رشد اقتصادی شما، نزدیک به صفر است، رشد نقدینگی شما، خیلی بالا است. رشد پایه‌ی پولی خیلی بالا است. چیزی در حدود ۲۰ درصد، ۲۵ درصد، این باعث می‌شود که در یک بازه‌ی کوتاه‌مدتی، پول در اقتصاد زیاد گردش کند و تقاضا برای کالاها زیاد شود و باعث بشود تورم در اقتصاد زیاد شود.

سؤال: در ارتباط با بحث انتظارات، بیشتر توضیح دهید.

پاسخ: من در مورد مفهوم انتظارات یک توضیحی بدهم. شما فرض کنید در یک جامعه‌ای، همه، حدس‌شان بر این است، انتظار دارند که قیمت‌ها افزایشی باشد. این کالایی که من الآن می‌خرم، ۱۰۰ تومان است، دو روز دیگر می‌شود ۲۰۰ تومان. جامعه چه‌طوری از خودش عکس‌العمل نشان می‌دهد؟ سعی می‌کند سریع‌تر برود بخرد و حتی به قیمتی که از الآن بیشتر است، این الآن در بازار، ۱۰۰ تومان است. همه می‌آیند می‌خرند، در بازار کم می‌شود، خودشان می‌گویند چون من حدس می‌زنم قیمت این بشود ۲۰۰ تومان. می‌گویند من این را الآن ۱۲۰ تومان می‌خرم. دو روز بعد ۱۴۰ تومان ۱۵۰ تومان تا خودش به ۲۰۰ تومان می‌رسد، یعنی آن چیزی که واقعاً وجود نداشته، انتظارات مردم، شکل‌دهنده‌ی آن بوده و باعث شده که یک کالای خیلی معمولی به یک قیمت نامعمول برسد. اما اگر پشتوانه این انتظارات، در واقعیت وجود نداشته باشد، بعد از چند وقت این جهت به صورت معکوس، حرکت خواهد کرد، یعنی اینکه چند روز دیگر، ارزش واقعی این ۱۰۰ تومان است نه ۲۰۰ تومان، وقتی که برسد به ۲۰۰ تومان و مردم بدانند که این که الآن در باز است و این قدر هم ارزش ندارد، حبابش شروع به تخلیه کردن می‌کند و قیمتش به قیمت اصلی خودش نزدیک می‌شود، اما وقتی شما یک پشتوانه‌ای داشته باشی، در این مثال ما مثل نقدینگی سیال، این، دیگر، جذب شده است، آن نقدینگی سیال به این فضا جذب شده است و انتظارات باعث می‌شود که یک پدیده‌ای به نام تورم انتظاری شکل بگیرد. تورم انتظاری هم اولین جایی که خودش را نشان می‌دهد در بازار ارز است، وقتی که شما نرخ ارزتان بالا برود، دلیلش این است که خیلی از تولیدات شما، واردات محور هستند. شما بروید در بنگاه‌ها یک سری بزنید. ببینید چند درصد از مواد اولیه‌شان، زنجیره‌ای که نگاه کنید، واردات است، ما چیزی حدود ۶۰ الی ۶۵ درصد واردات‌مان در طول سال، طبق آمار گمرک، مواد واسطه‌ای و اولیه هستند، چیزی حوالی ۱۰ الی ۱۵ درصد، سرمایه‌ای هستند و ۲۰ درصد هم حدوداً مصرفی

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

هستند، یعنی اینکه ۶۰ درصد چیزی که به کشور وارد می‌شود، برای تولید به کار می‌رود و در عوض، هیچ صادراتی انجام نمی‌شود. کارخانه‌ی ایران خودرویی است که در سال، چند میلیارد دلار واردات دارد و تقریباً هیچ صادراتی نسبت به آن وارداتی که انجام می‌دهد، ندارد و این فشاری را روی بازار ارز وارد می‌کند. از طرف دیگر، وقتی که نرخ ارز، از ۱۲۰۰ تومان برسد به ۳۰۰۰ تومان و جهشی عمل کند، طبیعتاً نرخ ارز به عنوان یک نهاده‌ی اولیه برای این بنگاه‌های تولیدی است، نهاده‌ی اولیه‌اش گران شود، طبیعتاً کالاهای تولیدی‌اش هم گران می‌شود و از این طریق، تورمش را به جامعه منعکس می‌کند. این‌ها زمینه‌هایی را به وجود می‌آورد برای اینکه حالا در هر سناریو چه اتفاقاتی می‌افتد. الان این نقدینگی سیالی که در جامعه وجود دارد و جذب تورم و رشد اقتصادی نشده است، فقط نیاز به یک جرعه دارد. یک بشکه‌ی باروت، یک جرعه به آن بخورد، منفجر می‌شود. حالا این جرعه چه طوری ایجاد می‌شود؟ با استفاده از یک اثر داخلی باشد؟ با استفاده از تحریم‌ها باشد؟ با استفاده از هر چیزی می‌تواند باشد. با استفاده از کاهش قیمت نفت هم می‌تواند باشد. هر کدام از این جرعه‌ها، می‌توانند این بشکه‌ی باروت را منفجر کنند. این که حالا این جرعه چه خواهد بود، من نمی‌دانم و حدسی هم نمی‌زنم. می‌شود یک چیزهایی را گفت، اما خوب، زیاد علمی نیست. اما اینکه این زمینه‌ساز خیلی از اتفاقات بعدی خواهد بود، این مشهود است و می‌شود روی این محکم صحبت کرد.

به لحاظ علمی، اگر بخواهیم در فضای تئوریک صحبت کنیم، دولت نباید پروژه‌ی عمرانی انجام بدهد. تقریباً می‌توانم بگویم اکثر پروژه‌های عمرانی که الان دولت دارد انجام می‌دهد، می‌تواند با استفاده از روش‌هایی به بخش خصوصی واگذار کند. یک جاده ای می‌خواهد ساخته شود، به بخش خصوصی بدهد. به بخش خصوصی یک مجوزی بدهد که این جاده را بزند، عوارض از آن بگیرد و سود خودش را در بیاورد. بندر می‌خواهد زده بشود، همین‌طور، ریل می‌خواهد زده شود همین‌طور، فرودگاه، بیمارستان و هر چیزی همین‌طور. دولت اگر می‌خواهد مردم از این راحت استفاده کنند، یارانه‌ای در کنارش بدهد نه اینکه صفر تا صد کل پروژه را خودش بدهد و این خیلی مسیر بهتری است. نکته‌ی دوم اینکه ما این را خیلی نمی‌توانیم در فضای تئوریک و اقتصادی حلش کنیم، در حالی که ریشه‌ی این مسأله بحث اقتصاد سیاسی است. گروه‌هایی شکل گرفته‌اند که در شکل‌گیری این وضعیتی که در جهان موجود است، ذی‌نفع‌اند. شهرداری کلی پروژه دارد و کلی پیمانکار به شهرداری وصل‌اند که از شهرداری این پروژه‌ها را می‌گیرند. اگر شهرداری بخواهد این پروژه‌ها را از شکل پیمانکاری به شکل خودگردان تبدیل کند، خیلی از این‌ها متضرر خواهند شد که شاید شهرداری خودش از آن کسانی باشد که در این فضا ضرر می‌کند. اشخاصی در شهرداری هستند. در وزارت راه همین‌طور، در وزارت نیرو همین‌طور و امثالهم. فقط بحث، بحث اقتصادی نیست که دولت نباید در اینجا ورود کند. بحث اقتصاد سیاسی است که گروه‌های ذی‌نفع، نمی‌گذارند به این راحتی، مسأله حل شود.

سؤال: این طوری که من فهمیدم، این مشکلات و وابستگی‌هایی را که داریم، بیشتر به خاطر مشکل نفت است. الان اگر بخواهیم بحث خودکفایی را در امنیت اقتصادی مطرح کنیم، مزیت کشور ما در این حوزه چیست که به وسیله‌ی آن بتوانیم این مشکلات را حل کنیم؟

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

پاسخ: ما اگر بخواهیم دو مزیت برای کشورمان بگوییم، یکی نفت است و دیگری نیروی انسانی که از این دو می‌توانیم برای پیشبرد اقتصاد کشورمان استفاده کنیم. ما می‌توانیم نفت را در زنجیره‌ی ارزش افزوده قرار دهیم. همین بحث‌هایی که ما در اقتصاد دانش بنیان داریم، می‌توانیم از حوزه‌ی نفت شروع کنیم. ما چند تا موتور محرک در اقتصاد داریم که اگر این بخش حرکت کند، مثل یک لوکوموتیوی است که سایر بخش‌ها را با خود می‌کشد؛ یکی از آنها، می‌تواند بخش نفت باشد. اگر شما صادراتی انجام نمی‌دهید، سعی کنید همین صادرات نکردن را تبدیل کنید به زنجیره‌ی ارزش افزوده نفت و گاز که برای پتروشیمی، خوراک است و بدین ترتیب، یک صنایع بالادستی پتروشیمی را به وجود می‌آورید، مانند اتانول، متانول و امثالهم. در واقع، این مورد، لایه‌ی بعدی صنایع میان‌دستی پتروشیمی را به وجود می‌آورد، صنایع تکمیلی را به وجود می‌آورد تا تبدیل به چسب، روغن، رنگ، پلاستیک و امثالهم می‌شود، این تقریباً حوالی ۷۰ درصد ارزش افزوده است که ما در زنجیره ارزش افزوده‌ی صنایع آخر داریم. در آن مواد خام هم، وقتی شما بتوانید همچنین تحولی ایجاد کنید، این هم برای شما مزیت دارد، مال خودت است، گازش مال خودت خودت است، نفتش مال خودت است، وقتی شما بتوانید این راه بیندازید، هم در بحث تکنولوژی یک تحولی به وجود می‌آید و هم اینکه کل این ارزش افزوده، مال خودت می‌شود و نیازی هم به صادرات ندارید، دیگر شما می‌توانید صادرات را یک پنجم و یک ششم بکنید و از این ارزش افزوده که ایجاد شده، استفاده کنید. بحثی که وجود دارد این است که، شما از یک طرف می‌گویید باید سرمایه‌گذاری کنید و از طرف دیگر می‌گویید پول نفت نیست که سرمایه‌گذاری کنید همان مبلغ اندکی هم که وجود دارد، داریم صرف یارانه و بودجه‌ی جاری کشور می‌کنیم. این موضوع را چگونه می‌توان از حالت لوپ خارج کرد؟ یعنی الآن ما به یک لوپ برخوردیم؛ پولی نداریم که برای زیر ساخت‌ها و صنایعی که بعداً می‌تواند ارزش افزوده ایجاد کند، سرمایه‌گذاری کنیم، چون آن کار را نمی‌کنیم، داریم خام‌فروشی می‌کنیم و بعداً ضرر می‌کنیم. چرا باید دولت این کار را انجام دهد، چون این کار، سرمایه‌های بسیار بالایی می‌خواهد، چرا باید دولت این کار را انجام بدهد؟ نگاه کنید، ما الآن در بحث نقدینگی اشاره کردیم که حجم زیادی از نقدینگی سیال در جامعه داریم که این‌ها مترصد فرصت‌های سرمایه‌گذاری هستند و با کوچک‌ترین جرقه‌هایی، می‌توانند هجوم‌های شدیدی به سمت بازارهایی مثل ارز، سکه، طلا و بورس و امثالهم وارد کنند ولی ما نمی‌توانیم از این‌ها، خیلی خوب استفاده کنیم و البته پیشنهادهایی هم وجود دارد برای اینکه ما بتوانیم از سرمایه‌های داخلی خودمان برای این بخش‌ها استفاده کنیم.

سؤال: یک برآورد خیلی راحت وجود دارد و آن اینکه، اگر شما یک میلیارد تومان پول داشته باشی، راحت‌ترین کاری که می‌توانید بکنید، این است که آن را در بانک بگذارید و ۲۰، ۲۲ درصد سود بگیرید، شاید هم بیشتر. من اگر بخواهم یک کارخانه‌ی پتروشیمی بزنم، در خوشبینانه‌ترین حالت، می‌تواند ۲۲ درصد برگرداند. کی؟ بین ۷ تا ۱۰ سال دیگر؛ ثبات سیاست‌گذاری در کشور ما، خیلی مسأله‌ی مهمی است؛ یعنی اینکه یک دولتی می‌آید و یک سری چیزها را در اولویت می‌گذارد و دولتی دیگر، همان‌ها را به عنوان اولویت‌های آخر خود قرار می‌دهد. آیا من به عنوان یک سرمایه‌گذار، می‌توانم اعتماد کنم و پیام سرمایه‌گذاری کنم و پتروشیمی بزنم؟

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

پاسخ: نکته‌ی اول، اینکه شما که قرار نیست به تنهایی هم‌چنین کاری را انجام بدهی. ما بحث‌مان بحث جلب سرمایه‌ی مردمی است و بحث مدیریتش، یک داستان دیگر است و مربوط به بحث تأمین مالی این پروژه‌ها است. چه بخش نفتی، چه بخش پتروشیمی گازی، و چه زیر مجموعه‌هاشون - پالایشی و پتروشیمی - شما می‌توانید با شیوه‌هایی مثل سهام پروژه، مثل صندوق‌های تخصصی، این کار را انجام بدهید، به شرطی که ریسکی هم بتوانید به فرد مخاطب وارد کنید و این است که بازار مالی کشور را به هم می‌ریزد. نکته‌ی دوم، اینکه وقتی که نفت شما، خود به خود کم بشود و در نتیجه، درآمدهای نفتی کم بشود، در یک لگ یک‌ساله یا دوساله، اثراتی را که در اقتصاد دارد، کم‌کم از بین می‌رود دیگر سودهای ۲۰، ۲۲ درصدی بانکی، معنا پیدا نمی‌کند و بانک‌ها مجبورند سودهای‌شان را پایین بیاورند. چرا؟ چون که دیگر جایی در اقتصاد نیست که بتواند وامی بگیرد و با ۳۰ درصد پرداخت کند، چون بخش تولید هم چنین توانایی ندارد که یک تسهیلاتی بگیرد و بتواند با ۳۰ درصد پرداخت کند، این بخش تجاری است که می‌تواند هم‌چنین کاری انجام دهد، چرا می‌تواند هم‌چنین کاری انجام بدهد؟ چون که بخش خدمات بخش تقریباً سطح بالای اقتصاد است و به خاطر سرریز درآمدهای نفتی در داخل کشور، این بخش خیلی سودآور شده است. وقتی ما درآمدهای نفتی‌مان به تدریج، کم بشود و بتوانیم از سرریز درآمدهای نفتی در کشور جلوگیری کنیم، با راهکارهایی مثل صندوق ثروت و یا با کاهش درآمدهای نفتی، این امر خود به خود اتفاق خواهد افتاد، مهم این است که سیاست‌گذاری‌های جهانی، می‌تواند این را پیش‌بینی و به سمتش حرکت کنند.

سؤال: اگر ما بخواهیم کاهش نرخ سود بانکی هم داشته باشیم، در یک جایی، برای بانک هم دیگر صرف نمی‌کند که بخواهد پولی را بگیرد و درصدی را سود بدهد و بعد هم از این استفاده کند، چون هزینه‌های بانکی هم است. شما باید ۲۳، ۲۲ درصد پول با تورم در بیاوری، درست است. بخواهی نخواهی، چه دستوری، چه بر اساس شرایط موجود بازار، به قول شما در آن لگ زمانی اتفاق افتاده است، دیگر انتظار اینکه این سودها را بشود، نیست و امکان دوباره‌ی پرداخت آن پول، وجود ندارد. آیا بخش مالی (تسهیلات‌دهندگان) می‌تواند با این شرایط، با این تورم، کاهش سود داشته باشد؟ یعنی سودی را که پرداختی ندارد؟ کاهش بدهد؟

پاسخ: الآن بانک یک پولی را از من می‌گیرد و ۲۲ درصد به من سود می‌دهد. قاعدتاً یک درصدی را برای هزینه‌ی پولش در نظر می‌گیرد. سودی که می‌خواهد بکند، باید ۲۸ یا ۲۹ درصد باشد. غیر از این، یک معادله‌ی چند مجهولی می‌شود که برای این پول چه‌طور می‌شود که من ۲۲ درصد سود می‌دهم به شما، منتها خودم هیچ عائدی ندارم و فقط هزینه دارم می‌کنم؟ چرا ۲۲ درصد دارند سود می‌دهند؟ چون که می‌دانند که یک قسمتی از جامعه - که قسمت کمی هم نیستند - وجود دارند که حاضر هستند با تسهیلاتی در حد ۲۹ درصد یا ۳۰ درصد سود بگیرند. وقتی شما در جامعه قسمتی نداشته باشید که بتواند هم‌چنین تسهیلاتی با ۳۰ درصد بگیرد، و تقاضایش برای تسهیلات ۲۵ درصد باشد، بانک هم خود به خود مجبور می‌شود سودی را که به سپرده‌گذارها می‌دهد، کم کند و این رقابتی است و به صورت الکلنگی عمل می‌کند. وقتی شما تقاضایی برای وام‌های با سود بالا نداشته باشید، طبیعتاً بانک هم نمی‌تواند سپرده‌هایی با مبالغ سودهای

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

بالا بگیرد و این خود به خود به سمت پایین حرکت خواهد کرد، به شرط اینکه بخش تجاری ما یک مقدار سودش کم بشود.

سؤال: اقتصاد دانش بنیان در هر یک از این محورهایی که شما اشاره کردید، چه نقشی را می‌تواند ایفا کند؟ یعنی ما باید چه قدر روی بحث اقتصاد دانش بنیان سرمایه‌گذاری بکنیم تا بتوانیم نتایجش را خصوصاً در این محورهایی که شما گفتید، به دست بیاوریم؟

پاسخ: اینکه در بلندمدت باشد یا در کوتاه‌مدت، متفاوت است و در بعضی از اوضاع و احوال مان، می‌تواند جوابگو باشد. اینکه چقدر سرمایه و زمان می‌خواهد را معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری باید بگوید. من فقط می‌توانم بگویم در کدام یک از قسمت‌ها، بحث دانشگاهی می‌تواند کمک کند. همین بحث امنیت غذایی را نگاه کنید. ما حوالی ۱۳۰ میلیارد متر مکعب در سال آب به صورت تجدیدپذیر و روان آب‌ها داریم، از این مقدار، ۱۱۰ میلیارد متر مکعب آن قابل استحصال است، آن ۲۰ میلیارد که دیگر قابل استحصال نیست، تبخیر می‌شود و یا اینکه در زمین فرو می‌رود. از این ۱۱۰ میلیارد متر مکعب، تقریباً ۸ درصد به بخش صنعتی کشور و ۳ تا ۳/۵ درصد آن هم، به بخش شرب می‌رسد؛ ما بقی آن هم، دعوایی است که بین وزارت نیرو و جهاد کشاورزی وجود دارد؛ وزارت نیرو می‌گوید ما بقی‌اش برای بخش کشاورزی است و وزارت جهاد کشاورزی هم می‌گوید که ۵۵ درصدش مال من است. حالا از این دعوا که بگذریم، ما با این وجود که بخش زیادی از آب کشور برای تولید مواد غذایی کشور استفاده می‌شود، در کمترین حالتش ۶۰ درصد است، بهره‌وری‌مان در تولید مواد غذایی خیلی کم است. یک شاخصی به نام تولید مواد خشک به ازای هر کیلوگرم آب وجود دارد. یعنی که، چند کیلو گندم یا جو به ازای هر کیلوگرم آبی که استفاده می‌کنیم، تولید می‌کنیم؟ در سطح جهانی، میانگین ۱/۷۵ کیلوگرم است، چون ۱/۷۵ کیلوگرم مواد غذایی به دست می‌آوریم، در حالی که این عدد در ایران ۰/۸۷ است. تقریباً نصف میانگین جهانی است. کشورهای پیشرفته ۳، ۳/۵ هستند. در اینجا است که فناوری‌های زیستی مان، خیلی می‌تواند به ما کمک کند. در بحث نفت و فرآورده‌های نفتی، ما در واقع، روی معدن گاز دنیا خوابیده‌ایم و می‌شود گفت که با توجه به ذخایر نامتعارفی که در دریای عمان داریم، اولین یا دومین دارنده‌ی گاز دنیا هستیم، اما به طور خالص، ما واردکننده‌ی گاز هستیم. این قدر ما داریم مصرف می‌کنیم و تقریباً همه خانه‌هایمان خیلی نامتناسب ساخته شده است و هدررفت انرژی، زیاد است. فناوری اصیل، مثل نانو که یک رنگ است، رنگ را روی دیوار می‌زند و دیوار عایق می‌شود، خیلی هم هزینه‌ی زیادی برای مردم ندارد. به طور کلی، من، می‌گویم که روی همه این بحث‌ها، ما فناوری‌هایی داریم که می‌تواند به ما کمک کند و مهم‌ترین فناوری که وجود دارد، فناوری‌هایی است که من و شما باید خلق کنیم؛ فناوری‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری؛ اینکه دولت چه کار کند که این گورهای بی‌نفت را که در این اقتصاد نفتی شکل گرفته، شکسته بشود، دولت به سمت چابک عمل کردن و کوچک شدن برود. اینکه ما همیشه می‌گوییم دولت باید کوچک بشود، دولت باید کارآمد بشود، دولت باید کلان بشود، این بدیهیات گفتن است. اینکه ما بتوانیم یک ایده داشته باشیم، یک روشی پیشنهاد کنیم، یک فناوری خلق کنیم که دولت بتواند کاراً عمل کند و بتواند از نفت جدا بشود، یارانه‌ها

تهیه و تنظیم: سلمان زالی - گروه مطالعات خط مشی‌های امنیتی

بتواند بهینه عمل کند و حمایت از اقشار آسیب پذیر در این سیستم بیشتر شود، این‌ها هر کدامش یک فناوری است و بسیار هم ارزشمندتر از آن فناوری‌هایی است که ملموس است و ما به چشم می‌بینیم.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

